

عمقِ میدان

نگاهی به فیلم «تنگه ابوقریب» تنگه غریب!

● **فرانک آرتا:** «تنگه ابوقریب» فیلمی است ضد جنگ که مقطع خاص و درعین حال گم‌شده در تاریخ جنگ عراق علیه ایران را به تصویر می‌کشد. بالاخره نهادهای نظامی هم متوجه شدند ساخت فیلم‌های جنگی از نوع پروپاگاندا دیگر جواب نمی‌دهد، چون پرداختن به کنه جنگ و نمایش بی‌واسطه وقایع و رخدادها، خود گواه مطلوبیت بچه‌های جنگ و مردم ایران است و دیگر لازم نیست شعارهای پرطمطراق به فیلم وصل شوند! داستان فیلم مقطع خاصی از دوران جنگ را به نمایش می‌گذارد که در لابه‌ای صفحات تاریخ جنگ گم شده و چند روز مانده به امضای قطع‌نامه ۵۹۸، رزمندگان گردان عمار در منطقه حساس ابوقریب به تلخی، در نهایت بی‌گناهی و بدون هرگونه پشتیبانی لجستیکی مقاومت کردند و در نهایت به شهادت رسیدند. شخصیت‌های داستان از همان سکانس ابتدایی فیلم، تماشاگران را با خود همراه می‌کنند. البته تأثیرات سینمای رسول ملاقلی‌پور، به‌خصوص از فیلم «سفر به جزایه» کاملاً مشهود است، هرچند آن فیلم در زمان خود مورد توجه مسئولان محترم واقع نشد و حتی به‌عنوان فیلمی ضدجنگ متهم شد و زنده‌یاد ملاقلی‌پور از دست این آقایان! چه خون‌دها که نخورد! دست‌آخر هم فیلم با هزار اماوگر و با تأخیر به بدترین شکل اکران شد! اما خوشبختانه ارزش‌های فیلم «تنگه ابوقریب» در زمانی که باید، به چشم آمد. فیلم‌ساز جوان بدون اینکه ادعایی از حضوریافتن در جبهه داشته باشد، با زبان سینما آرمان‌های یک نسل را درون متن واقعیت‌های زمانه خودش به تصویر کشید. ترسیم هر یک از شخصیت‌ها با تربیت‌های متفاوت و تجمع هر یک درون تنگه‌ای غریب! با فرم بیانی مطابق با محتوای فیلم – کادرهای بسته، دوربین لرزان و تصاویر در برخی موارد به سمت فلونی می‌رود، بازی‌های مینی‌مال و درعین‌حال درخشان – حس‌وحال فضا را به نمایش می‌گذارد. گویی تماشاگران هم ناظران آن لحظات سهمگین هستند. البته یکی از ایرادات فیلم را عدم ترسیم درست جغرافیای محیط عنوان کرده‌اند و همین‌طور فیلم را فاقد قهرمان می‌دانند، اما واقعیت این است که چه فرقی می‌کند که این جغرافیا در کجا باشد، هرجا هم که باشد، تمام مردم ایران در آن جنگ هشت‌ساله آسیب دیدند و اتفاقاً نقطه قوت این فیلم در بی‌قهرمانی آن است.

ادامه در صفحه ۱۴

اکران آخرین ساخته کیارستمی در گروه «هنر و تجربه»

گروه هنر: فیلم «۲۴ فریم» آخرین ساخته زنده‌یاد عباس کیارستمی، کارگردان سرشناس سینمای ایران و جهان، به‌زودی در سینماهای «هنر و تجربه» اکران می‌شود. «۲۴ فریم» ترکیبی از ۲۴ تصویر ثابت است که هرکدام چنددقیقه بر برده می‌ماند. در این اثر که چیدمانی از فیلم و عکس است، ۲۴ فیلم کوتاه ۴:۳۰ دقیقه‌ای

را می‌بینیم که با جان‌بخشی به تصاویر ثابت، آن هم از طریق تکنیک برده سبز شکل گرفته‌اند.

این تصاویر ثابت اغلب عکس‌هایی هستند که

گروه فرهنگ: صبح روز گذشته اختتامیه آیین هفته نکوداشت هشتادمین سال تأسیس کتابخانه ملی در مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در اختتامیه آیین هفته

نکوداشت هشتادمین سال تأسیس کتابخانه ملی اظهار کرد: در این راه سعی کرده‌ام تا تلاش‌های خود را به یادگار بگذاریم تا اثبات کنیم که سرزندگی، پویایی، افزایش فکر و بارورشدن اندیشه محصول تلاش است.

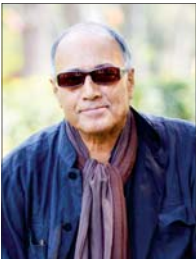
او خطاب به کارمندان و مدیران سازمان گفت: این تلاش‌ها مدیون کسانی است که همواره سعی کرده‌اند بی‌منت و بدون مطالبه‌ای افزون با همدلی و همراهی و همفکری این سازمان را یاری دهند و به هم‌وطنان خود در راستای بهره‌وری از داشته‌هایشان کمک کنند.

بروجردی تصریح کرد: داشته‌هایی که در قالب نوشتار و سند در اختیار شماست، سرمایه یک ملت به شمار می‌آید. این میراث، اندوخته‌ای است که هویت ما را تعریف و دانشی است که زندگی ما را تعیین می‌کند و راه و رسم خوب‌زیستن را به ما یاد می‌دهد.

او فعالیت در حوزه کتاب را ارزشمند دانست و گفت: درباره هشتادمین سال تأسیس کتابخانه و نوع کاری که انتخاب کرده‌اید، به شما تبریک می‌گویم.

کیارستمی در طول ۴۰ سال عکاسی کرده است. او دو فیلم نخست این اثر را در مسترکلاسی که سال ۲۰۱۵ در جشنواره فیلم مراکش برگزار کرد، به نمایش گذاشت، اما هشت ماه پس از آن از دنیا رفت و تکمیل این پروژه به پسر بزرگ او، احمد کیارستمی، واگذار شد. فیلم تجربی «۲۴ فریم» آخرین ساخته عباس کیارستمی، برنده نخل

طلای کن، برای اولین‌بار در بخشی از نمایش‌های ویژه هفتادمین جشنواره فیلم کن و یک سال پس از درگذشت این فیلم‌ساز نمایش داده شد.



گروه هنر: فاطمه معتمدآریا با حضور در دوازدهمین دوره جشنواره دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه از مردم آن شهرها دلجویی کرد. این بازیگر معتبر سینما در آن مراسم با دردست‌گرفتن کتاب خاطرات فرنکس حیدریو و معرفی آن به معلمان و دانش‌آموزان شرکت‌کننده اعلام کرد: «یکی از آرزوهای بزرگ زندگی‌ام، ابفای نقش فرنکس است».
راوی این کتاب، «فرنکس حیدریور»، از اهالی روستای گورسفید گیلانغرب، در زمانه شروع جنگ تحمیلی و تصرف این



منطقه توسط نظامیان یعنی به‌عنوان یک دختر بومی‌کرد کلهر بعد از شهادت پدر و برادرش با تیر به مقابله با مجاوران برخاست... هم‌اکنون این خاطرات شگفت‌انگیز از حضور زنان کشورمان در عرصه دفاع مقدس در کتابی با نام (فرنکس) و به کوشش مهناز فتاحی به چاپ رسیده است. از دیگر نکات جالب، معرفی این زن قهرمان به نوجوانان شرکت‌کننده گرد کرمانشاهی به صورت عینی با همراهی و صحبت‌های ساده و بی‌تکلف خود فرنکس حیدریور در این جشن‌ها بود.

بروجردی: منابع کتابخانه ملی اندوخته‌ای است که هویت ما را تعریف می‌کند

مدیرکل حوزه سیاست، روابطعمومی و امور بین‌الملل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بیان کرد: در صبح روز دوشنبه، هفتم اسفند، در ویژه‌برنامه جشن هشتادمین سالگرد تأسیس کتابخانه ملی میزبان دکتر جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور، بودیم که با ابطال تبر هشتادمین سالگرد و رونمایی از مجموعه نسخ محدث قمی و سامانه فهرست نسخ خطی فارسی در جهان همراه شد. همچنین در عصر همان روز نشست تخصصی

دبیر اجرایی هفته نکوداشت هشتادمین سالگرد تأسیس کتابخانه ملی ایران عنوان کرد: در روز بعد برنامه تجلیل از راولیان تاریخ شفاهی برگزار و از کتب و آثارى که در این زمینه گردآوری شده بود، رونمایی شد. او به نشر اخبار در رسانه‌های رادیویی، تلویزیونی و همین‌طور مطبوعات و خبرگزاری‌ها اشاره کرد و گفت: لازم به توضیح است که در هفته جاری حدود ۱۰ برنامه رادیویی و تلویزیونی زنده در صداوسیما و همین‌طور پوشش خبری گسترده‌ای در رسانه‌ها و مطبوعات و فضای مجازی در راستای مطلع‌سازی عموم مردم و آشنایی با عملکرد و رویکرد کتابخانه ملی ایران داشتیم. در پایان این همایش برنامه موسیقی با اجرای علی زندوکیلی برگزار شد.

او به تشریح اقدامات صورت‌گرفته در هفته نکوداشت کتابخانه ملی که از پنجم اسفند سال جاری آغاز شده بود، اشاره کرد و گفت: تلاش کردیم تا برنامه‌ها و مراسم‌هایی که برای این بزرگداشت برگزار می‌شود، در شان ۸۰سالگی کتابخانه ملی باشد. ازاین‌رو در نخستین روز هفته نکوداشت، نمایشگاه دستاوردهای مکتوب ایران‌زمین را در قالب بیلبردهایی در ۱۲ شهر کشور نصب و سعی شد اشیای نفیس و نسخ خطی ارزشمند این سرزمین در معرض دید همه مردم قرار گیرد.

باسدارشیرازی ادامه داد: همچنین در روز شنبه در ۱۹ نقطه رأس ساعت ۱۰، نمایشگاه ۸۰ سال با کتابخانه ملی افتتاح شد. به‌علاوه برای اولین بار رئیس ایفلا میهمان ما در این همایش بودند و همین‌طور پذیرای رئیس کتابخانه مالزی در این مراسم بودیم. پاسدارشیرازی در ادامه توضیح داد: در عصر همان روز مراسم به یاد ایلام با حضور رؤسای پیشین کتابخانه ملی که در قید حیات بودند و می‌توانستند در مراسم حاضر شوند، در ساختمان ۳۰ تیر کتابخانه ملی برگزار شد.

او خاطرنشان کرد: پنجره‌ای رو به فردا عنوان برنامه‌ای بود که صبح یکشنبه، ششم اسفند، با رونمایی از اپلیکیشن و سایت‌های کتابخانه ملی برگزار و در عصر همان روز نمایشگاه اوراق زرین در محل موزه این سازمان تشکیل شد.

نگاهی به نمایش «زندانی خیابان نواب»

زیستن در شرایط ویژه

یادآور درام‌های اجتماعی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی آمریکاست، ازجمله کارهای «تنسی ویلیامز» و «آرتور میلر» از یک سو و کمدی‌های اجتماعی سینمای ایتالیا در دوران پس از نئورالیسم از سوی دیگر، دعوای مداوم زوج‌ها، به‌ویژه با همسایگان و زیرپانهادن مرزهای اخلاقی (نگاه کنیم به فیلم درخشان «یک روز به‌خصوص» اثر اتوره اسکولا) مضمون اصلی آن آثار است که در این نمایش هم همچنان مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ موضوعی که اتفاقاً در جامعه ما روزبه‌روز دارد به امری شایع و فراگیر تبدیل می‌شود. بنابراین انتخاب این نمایش‌نامه برای آداپته‌کردن را باید ناشی از ذکاوت «هوشمند هنرکار» دانست؛ کارگردانی م‌کار، اما گزیده‌کار که این‌بار تشخیص داده باید به سراغ موضوعی برود که درهای مردم ایران در این سال و زمان را بتوان در لابه‌لایش بیان کرد. کار پیشین او که در همین سال اجرا شد، درباره فلسطین بود. نوع دیالوگ‌نویسی سایمون به‌راستی غبطه‌برانگیز و درعین‌حال آموزنده است و «هنرکار» کوشیده در این بازآفرینی، همان سبک‌وسایق را رعایت کرده و بازنویسی‌هایش کم از

اصل نداشته باشند. نوعی طنز سیاه بر کل داستان و ماجراها حاکم است که گاهی نمایش را به مرز گروتسک و گاه به ابسورد نزدیک می‌کند. بازی دو بازیگر اصلی؛ یعنی مهدی وثوقی پس از نزدیک به سه دهه غیبت از تئاتر، سینما و تلویزیون، همراه با آریشا نوری‌وفا گاه از حد بازی‌های متعارف می‌گذرد و به شاهکار نزدیک می‌شود، به‌ویژه در هنگام رودرویی‌ها و رویدل‌کردن دیالوگ‌های پرتنش و دشوار که هر دو بازیگر واقعا از جان مایه می‌گذارند. این البته که یک نمایش تجربی و ساختارشکنانه نیست؛ نمایشی متعارف و تا حدودی کلاسیک با بهتر بگویم کلاسیک‌مدرن است درباره زیستن در شرایط ویژه.

نوعی طنز سیاه بر کل داستان و ماجراها حاکم است که گاهی نمایش را به مرز گروتسک و گاه به ابسورد نزدیک می‌کند. بازی دو بازیگر اصلی؛ یعنی مهدی وثوقی پس از نزدیک به سه دهه غیبت از تئاتر، سینما و تلویزیون، همراه با آریشا نوری‌وفا گاه از حد بازی‌های متعارف می‌گذرد و به شاهکار نزدیک می‌شود، به‌ویژه در هنگام رودرویی‌ها و رویدل‌کردن دیالوگ‌های پرتنش و دشوار که هر دو بازیگر واقعا از جان مایه می‌گذارند. این البته که یک نمایش تجربی و ساختارشکنانه نیست؛ نمایشی متعارف و تا حدودی کلاسیک با بهتر بگویم کلاسیک‌مدرن است درباره زیستن در شرایط ویژه.

اولویت‌های صندوق اعتباری هنر

جاری با افزایش ۶۰ درصدی به ۳۲ هزار نفر رسیده است». سیدزاده درعین‌حال با اشاره به ارائه خدمات بیمه تکمیلی صندوق در سال جاری متذکر شد: «خدمات بیمه تکمیلی امسال صندوق با ارائه سه طرح مختلف بی‌نظیر بوده، به‌نحوی‌که این امکان برای یک هنرمند فراهم شده بود که با پرداخت ۶۰ هزار تومان از خدمات بیمه تکمیلی درمان در یک‌سال بهره‌مند شود».

هنر

معتمد آریا: آرزوی بازی

در نقش «فرنکس» را دارم

همگام با اکران

نقدی بر فیلم «اسرافیل» رفتگان

● **بشار نورایی:** قدم اول در درک «اسرافیل»، ساخته قبلی فیلم‌ساز؛ یعنی فیلم «ناهید» است؛ فیلمی ستایش‌شده که به نظر می‌رسد سنگ‌بنای ساخته اخیر آیدا پناهنده باشد و در صحنه‌ای مستقیم به آن اشاره می‌شود. در فیلم جدید آیدا پناهنده، مکانی وجود دارد که عاشق و معشوق سابق پس از گذشت دو دهه، آنجا قرار می‌گیرند و به شکل ضمنی متوجه علاقه‌ای می‌شویم که هنوز در وجودشان مانده است. این لوکیشن یک مغازه لوازم دکوراتیو در شهر کوچکی در شمال با نام «ناهید» است و این ارجاع به شکل آگاهانه‌ای سرنوشت ناهید فیلم قبلی را که میان نگه‌داشتن بچه و جداشدن از همسری معتاد و ولگرد و رفتن به سمت شوهری که بتواند پناهگاه روحی و مالی برای او باشد در نوسان بود، به سرنوشت ماهی و دیگر زن‌های فیلم «اسرافیل» پیوند می‌زند و فیلم جدید آیدا پناهنده را به جلوه‌ای دیگر از یک مضمون یکسان بدل می‌کند. گویی گوهر اصلی «اسرافیل» اشاعت سرنوشت تلخ زنان ایرانی از یک نفر به سه زن است که هرکدام به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی، سرگردان و زجر دیده، به انتظار اندکی نیک‌بخشی مانده‌اند، اما چیزی جز شوربخشی عایدشان نشده است. قصه ماهی با بازی هدیه تهرانی که عشق قدیمی میان او و بهروز (پژمان باغزی) به دلیل تعصب و فضای سنتی شهر کوچک محل سکونشان، ناکام مانده و مرد مجبور به هجرت شده و اکنون که ماهی‌ فرزند حاصل از یک ازدواج ناموفقش را از دست داده، دوباره به شهر بازگشته است، تنها یکی از سرنوشت‌های فیلم است. سارا (هدی زین‌العابدین) دختری که به انتظار بازگشت بهروز و ازدواج با اوست و روزگار مادرش با بازی مریلا زارعی که دچار اختلال روانی است و چشم‌انتظار بازگشت مرد زندگی‌اش که سال‌هاست رفته، داستان‌های فرعی هستند که در کنار قصه اصلی ماهی و بهروز قرار می‌گیرند. گرانبگاه اثر بن‌مایه این شوربخشی، غایب است؛ غیابی از جنس مرگ و هجرت که سایه سنگینش، در سرنوشت سه زن با‌خاستگاه اجتماعی و ستین مختلف نمود یافته است. اسرافیل با نامی نمادین، این سه سرنوشت را مانند سه لته یک تابلو در کنار هم قرار می‌دهد و نه‌فقط اشاره به حضور مداوم رفتگان در زندگی زنده‌ها، بلکه نشانی از زنده‌شدن همه احساس‌های فروخته و حرف‌های نگفته آدم‌هایی دارد که دست سرنوشت میانشان فاصله ندادخته است.

کارگردان برای بارانگیزتن احساسات سرکوب‌شده، از طراحی صحنه ساده، ولی تأثیرگذار بهره برده است. فضای گرفته شهر کوچک در شمال با پستی‌وبلندی‌هایی که گویای روحیه و رفتار پیچیده ساکنانش است، در کنار تصویر تهران شلوغ و مجموعه آپارتمان‌های سازمانی دلگیر، محیطی به‌ولحاظ احساسی سرد و یکواخت ترسیم می‌کند که از شور و هیجان تهی است. آیدا پناهنده با جزئیات ظریفی که در فیلم گنجانده، در بطن این فضای تخت و بی‌روح، احساسات فروخته شخصیت‌ها را بروز می‌دهد. آنچه در فیلم به‌خوبی نهادینه شده، وجه اساطیری آن است. این وجه، وضعیت و ناکامی شخصیت‌ها را به گذشته دور می‌برد و از نشانه‌هایی مانند ورزش باستانی کشتی که درعین‌حال پدیده‌ای مرسوم و محلی در شمال ایران است تا نقش اسرافیل و صورش روی بشقابی کوچک که در مغازه آتیک‌فروشی پیدا می‌شود، با یکی‌کردن سرنوشت‌ها (بهروز که در نوجوانی در ورزش کشتی ناکام مانده، شبیه پسر ماهی است که در جوانی به‌عنوان قهرمان کشتی مرده است) و تأثیری که رفتگان بر زنده‌ها دارند، مرز میان مرگ و زندگی و گذشته و حال را برمی‌دارد تا جلوه‌های تداخل و تشابه سرنوشت‌ها کامل شود. سه سکانس در فیلم وجود دارند که به این نکته عینیت می‌بخشند و بیشتر از بقیه صحنه‌ها در ذهن من مانده‌اند؛ اولی جایی است که ماهی سوار ماشین بهروز می‌شود و برای اولین‌بار با دین سارای جوان، احساس سرخوردگی از امیدداشتن به برگشت عشق قدیمی‌اش می‌کند و بازی درخشان هدیه تهرانی در سکوت، در چند لحظه با انعکاس این حس در چهره، تجلی کاملی از احساسات سرکوب‌شده و بی‌حاصل می‌شود.

صحنه دیگر گفت‌وگوی سارا و مادرش در کافه است که با انتخاب هوشمندانه آهنگ ویوالدی و اندوه جاری در قطعه استنبات ماتر (غم مادرانه)، کاری را که در کمتر فیلم‌های ایرانی می‌بینیم؛ یعنی جداشدن از محدوده اجتماع و فرهنگ ایرانی و الصاق مفاهیم اثر به سپهری وسیع‌تر و تبدیل آنچه به کلام می‌آید با همراهی موسیقی به تجربه‌ای انسانی فارغ از زمان، انجام می‌دهد. سومین صحنه، جایی است که سارا و مادرش درازکشیده کنار هم دست‌هایشان را به هم گره زده‌اند و عملاً از طریق یک نمای ساده از دست‌ها، به شیوه آشنای «روبر بروس» در سینما، مفاهیم به این تکه از بدن شخصیت‌ها منتقل می‌شود و دست‌ها با انعکاس درونیات شخصیت‌ها، به شکل عنصری نمادین درمی‌آیند.

در آزمون‌های سینمایی ایران برای دگرنگ‌ریستن و کناره‌گیری از عرفی‌شدن فیلم‌ها، «اسرافیل» تجربه‌ای به‌نمزنشسته در کارنامه کارگردانش است، زیرا نه در بند واقعیت ساکن مانده و نه کاملاً با شکل ذهنی و احساسی پیش می‌رود؛ حد میانه را برمی‌گزیند تا تصویری چندجانبه از سرنوشت زن و مرد ایرانی باشد که رفته‌ها و گذشته هایشان نمی‌کنند. این البته به این معنی نیست که فیلم بی‌ضعف است.

ادامه در صفحه ۱۴

مؤسسهٔ رحمان برگزار می‌کند:



فلسفه و امید

محمدمهدی اردبیلی / یک‌شنبه ۱۳ اسفند، ساعت ۱۵ تا ۱۹

روزنامه‌نگاری راه‌حل‌گرا

پدرام الوندی / دوشنبه ۱۴ اسفند، ساعت ۹ تا ۱۲

تب‌عیض جنسیتی، قانون، امیدها و چشم‌اندازهای زنان امروز

مرضیه محبی / دوشنبه ۱۴ اسفند، ساعت ۱۵ تا ۱۹

کارآفرینی اجتماعی

زهرا بهروزآذر / سه‌شنبه ۱۵ اسفند، ساعت ۱۰ تا ۱۴

فکر کردن به امید به‌وقت ناامیدی: تأملاتی مقدماتی بر دشواری‌های نازدودنی مفهوم امید

حسام سلامت / سه‌شنبه ۱۵ اسفند، ساعت ۱۵ تا ۱۹

شماره تلفن نام‌نویسی: ۰۲۱-۶۶۹۴۵۸۰۹ و ۰۹۳۶-۰۴۶۴۳۷۶

محل برگزاری کارگاه‌ها: مؤسسهٔ رحمان میدان توحید، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۶، واحد ۱ **www.rahman.org.ir**

● برای آگاهی از محتوای هر کارگاه و آشنایی با مدرسان، به آیدی telegram.me/rahman_inst پیام دهید یا به وب‌سایت رحمان مراجعه کنید ● برای تمام شرکت‌کنندگان، گواهی شرکت در کارگاه صادر خواهد شد ● ورود برای همگان آزاد و هزینهٔ هر کارگاه ۵۰ هزار تومان است ● برای دانشجویان و افراد شرکت‌کننده در بیش از یک کارگاه، تخفیف ۴۰ درصدی در نظر گرفته شده است.